



# حضور زنان در جامعه تطابق با مذاق شریعت یا سیره عقلا



زهره صفائی \*

حضور جدی و فعالانه بانوان در جامعه، از تحولات سیاسی، فضای فرهنگی، علمی، عرصه‌های اقتصادی و رویدادهای نظامی، بعد از چهاردهه انقلاب اسلامی، اگرچه هم‌تراز با حضور آقایان نبودند، ولی به جرئت می‌توان گفت که در بعضی مواقع حضوری بسیار مؤثر و تأثیرگذار داشتند. به گونه‌ای که در همه سطوح عالی کشوری و گاهی جهانی چشم‌گیر و پررنگی بروز نمودند.

برای بانوان ضرورت دارد؟ و حتی آیا می‌تواند به عنوان مجتهد اعلم و مرجع تقلید مطرح باشند؟

**خانم صفاتی:** برای پاسخ این سؤال بایستی به متون اسلامی برگردیم، تا ببینیم آیا دلایلی که در این زمینه اقامه شده رساست و یا این که انصراف از زن دارد؟ به گونه‌ای که بگویند: زن اگر مجتهد و اعلم باشد نمی‌توان از او تقلید نمود، گرچه در بین آقایان شخصی واجد شرایط نباشد؟ یکی از دلایل در این مورد بنای عقلاست و مبنای بنای عقل هم این که بدون قید رجوع جاهل به عالم را دلالت است. این بنا مفید نیست و اطلاق دارد، چرا که قید نشده است که عالم حتماً بایستی مرد باشد. روایت معروف: «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه» اطلاق دارد. حضرت می‌فرماید: «من کان، هر

کس» قیدی نرده‌اند. طبق این روایت، اگر چنین شرایطی در یک فرد وجود داشته باشد، مرجع عالم است و می‌توان از او تقلید کرد. مرحوم آیه الله حکیم در کتاب مستمسک که حاشیه‌ای بر عروة الوثقی است، می‌نویسد:

واما اعتبار الرجل فلهو  
کسابقه عند العقل و لیس علیه  
دلیل ظاهر غیر دعوی انصراف  
اطلاقات الادله الی الرجال و  
اختصاص بعضها به لکن لوسلم

باور ما این است، که جامعه متعالی و رو به رشد، بایستی زمینه حضور همه جانبه بانوان را با در نظر داشتن شرایط، در همه عرصه‌های اجتماعی فراهم کند، چرا که نقش و جایگاه سازنده اجتماعی زنان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحول‌زای اساسی هر نظام است، چنان که در تطور سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... در چهاردهه حکومت اسلامی ایران، به خوبی نمایان گر این درستی است. اگر چه ناگفته‌ها در این باره بسیار است و گفته‌های بر زمین مانده افزون‌تر؛ اما نخبگان و فرهیختگانی در جامعه زنان داریم که نظریات‌شان در جوامع علمی-اجتماعی می‌توانند چراغ راه آیندگان باشد. از این رو، «مجله حوزه» طبق رسالت‌رسانی‌ای و آشنایی بیشتر مخاطبان، پیش‌تر گفت‌وگویی با

مدّرس عالی حوزه علمیه خواهران و یکی از بنیان‌گذاران جامعه الزهراء (ع)، بانو مجتهده سرکارخانم زهره صفاتی ترتیب داده بود که به بعضی از سؤال‌هایی علمی و فرهنگی خواهران و هم‌چنین مسائلی که در اذهان جست‌وجوگر برخی متبادر است پاسخ درخور داده‌اند، که حاصل آن در پیش‌رو شمایست.

● **حوزه:** ضرورت تفقه در دین را برای بانوان چگونه تبیین می‌نمایید؟ آیا تفقه در دین

مبنای بنای عقل هم این که بدون قید رجوع جاهل به عالم را دلالت است. این بنا مفید نیست و اطلاق دارد، چرا که قید نشده است که عالم حتماً بایستی مرد باشد.

روایت معروف: «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه» اطلاق دارد. حضرت می‌فرماید: «من کان، هر کس» قیدی نرده‌اند. طبق این روایت، اگر چنین شرایطی در یک فرد وجود داشته باشد، مرجع عالم است و می‌توان از او تقلید کرد.

فلیس بحيث یصلح رادعا عن بناء العقلاء و كانه لذلك افتی بعض المحققین مجوز تقلید الاثنی.

اطلاقات اولیه هم زن و هم مرد را شامل می‌شود. نمی‌توانیم بنای عقلا را قید بزنیم. شاید به این دلیل بعضی از محققان فتوا داده‌اند که: «مجوز تقلید الاثنی» تقلید از زن جایز است. یکی دیگر از فقها که شرحی بر این مسئله عروه نگاشته‌اند پس از نقل روایاتی که در مبادی این موضوع آمده است می‌نویسد: روایات مطلق است و شامل زن و مرد می‌گردد:

بل مقتضی الاطلاقات و سیره العقلانیه عدم الفرق بین الاثنا و ارجال.

اما دلیل این که زن نتواند مرجع عام باشد گفته‌اند: مذاق شارع این گونه است که زن به دور از دست‌رس و تیررس مردان باشد و بیشتر به امور خانه و تربیت فرزندان بپردازد. مرجعیت کار بزرگ و دشواری است و بانوان نمی‌توانند از عهده این مهم برآیند... آیا این موانع می‌تواند آن اطلاقات اذله را قید بزند؟

پر واضح است که نمی‌تواند قید بزند. این‌ها قید زننده اذله نیست. من مثالی عرض می‌کنم: اگر زنی در رشته پزشکی تخصص پیدا کرد و از همه متخصصان این فن برتر شد، آیا می‌توان گفت: رجوع به این خانم برای آقایان جایز نیست؟ مسلم حرام نبوده، بلکه برای

اما دلیل این که زن نتواند مرجع عام باشد گفته‌اند: مذاق شارع این گونه است که زن به دور از دست‌رس و تیررس مردان باشد و بیشتر به امور خانه و تربیت فرزندان بپردازد. مرجعیت کار بزرگ و دشواری است و بانوان نمی‌توانند از عهده این مهم برآیند... آیا این موانع می‌تواند آن اطلاقات اذله را قید بزند؟ پر واضح است که نمی‌تواند قید بزند. این‌ها قید زننده اذله نیست.

حفظ جان لازم و ضروری است. این طبق همان اصل عقلایی رجوع جاهل به عالم است. روی این مبناست که می‌گوییم اگر زنی در دانش دین و فقه اعلم شد از همه آقایان در بعد علمی فقهی موقعیت والاتری پیدا کرد چه اشکالی دارد که مرجع عموم شود؟

امروز از طریق رسانه‌های جمعی می‌توان با مردم ارتباط داشت. بنابراین تبعاتی یادشده را هم ندارد. پس اگر زنی جامع‌الشراط بود، دلیلی بر نفی تقلید از او نداریم خصوصاً تقلید نسون از نسون که در این باره مواردی در تاریخ ذکر شده است، که به نظریات فقهی آنان برخی عمل می‌کردند.

غرض این که زن در جایگاه علمی می‌تواند در تفقه عالی‌ترین مرتبه را به دست آورد و زمینه رشد و شکوفایی در این بعد را دین و مذهب برای او مهیا کرده است. این ما هستیم که به مذاق خودمان مسائل را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

● **حوزه:** چه برنامه و پیشنهادی در رابطه با آموزش بانوان مشغول به تحصیل در حوزه‌های علمی دارید؟

**خانم صفاتی:** اگر خانمی دارای چند فرزند باشد و در عین حال مشغول تدریس، تحصیل و کارهای اجتماعی باشد، انصافاً جمعش کار

وانضباط و فداکاری زن و مرد و کنار گذاشتن تشریفات و اکتفا کردن و ضروریات زندگی و در رأس قراردادن کار فرزندان و شوهرداری و در عین حال توفیق و استمداد از پروردگار متعال می‌توان به این اهداف دست یافت.

● **حوزه:** چه پیشنهادی برای بهبود آموزش و شیوه‌های آموزشی بانوان حوزوی دارید؟  
**خانم صفاتی:** با تجربه‌ای که داریم، به نظر من عمر تحصیلی کوتاه خیلی ثمر ندارد، واقعاً خواهران روی تصمیم‌گیری و هدف صحیح جدی بیایند به میدان و مدتی را درس بخوانند. درس‌ها بایستی به شکل تخصصی باشند، البته پس از گذراندن دوره‌های عمومی نظیر: ادبیات، فلسفی، منطق، اصول فقه، آشنایی با نهج البلاغه، تفسیر و عقاید. فراگیری این دانش‌ها تا حدودی در حوزه خواهران وجود دارد، ولی پس از این مراحل بعضی از خواهران

دروس فقه و اصول را ادامه می‌دهند. سؤال این جاست که آیا این سبک درستی است؟ یا این که بایستی پس از دوره عمومی رشته‌های تخصصی به وجود آید، مثل رشته‌های تربیتی، معارف اسلامی و... ببینید وسائل الشیعه مشحون از روایاتی است که مربوط به امور خانواده است. این روایات مقداری ذوق و سلیقه می‌خواهد که مطابق با علوم روز تجزیه و تحلیل شود.

دشواری است. البته توصیه من به خواهران این است که اول خوب درس بخوانند بعد ازدواج کنند، ولی نگذارند زیاد طولانی شود و آن شرایط ایده‌آل از کار بگذرد. فرصت قبل از ازدواج را برای تحصیل خیلی غنیمت بدانند، یعنی بایستی پرسیده شود، که آیا جمع بین خانه‌داری، اداره فرزندان، کارهای اجتماعی و تحصیل امکان دارد یا نه؟ گفتنی است که اولاً، باید نظم و انضباط خاصی در زندگی حکم فرما باشد، چون در این صورت است که انسان به همه کارهایش می‌رسد. پس از نظم، مسئله فداکاری همسران است. مرد برای زنی که این همه فعالیت می‌خواهد داشته باشد باید فداکاری کند. اگر همکاری نکند و توقعات و انتظاراتی داشته باشد طبیعی است که این خانم نمی‌تواند خوب درس بخواند. البته خانم‌ها هم نباید از زیر بار مسئولیت

در روند باید مسئولیت‌شان را خوب انجام دهند. خانم‌ها تجملات و کارهای تشریفاتی و مهمانی‌های کذایی را که اتلاف وقت است کنار بگذارند. تنها در حد ضرورت به این امور بپردازند. البته توصیه من به خواهران این است که حتماً امور فرزندان‌شان را در رأس کارها قرار دهند. امور فرزندان اعم از مسائل اخلاقی، تربیتی و مادی از قبیل: تحصیل، تغذیه و بهداشت و... خلاصه با نظم

با تجربه‌ای که داریم، به نظر من عمر تحصیلی کوتاه خیلی ثمر ندارد، واقعاً خواهران روی تصمیم‌گیری و هدف صحیح جدی بیایند به میدان و مدتی را درس بخوانند. درس‌ها بایستی به شکل تخصصی باشند، البته پس از گذراندن دوره‌های عمومی نظیر: ادبیات، فلسفی، منطق، اصول فقه، آشنایی با نهج البلاغه، تفسیر و عقاید. فراگیری این دانش‌ها تا حدودی در حوزه خواهران وجود دارد.

است، که در برنامه‌های جدید دیده می‌شود؛  
۳. درس‌ها بایستی به سوی تخصصی شدن  
به پیش برود. در این صورت فرد می‌تواند  
کارآیی لازم را به دست آورد و نسبت به مسائل  
روز پاسخ‌گو باشد؛

۴. رشته‌ها باید در جهت نیاز جامعه و  
متناسب با نوع فعالیت‌هایی که خواهران  
بایستی در جامعه داشته‌باشند باشد؛

۵. تعیین و انتخاب رشته روی علاقه و  
استعداد فرد صورت پذیرد؛

۶. آشنایی خواهران با مسائل اجتماعی،  
نقش ورود آنان به جامعه خود بهترین  
وسيله‌ای است که فرد را به نیازها و چگونگی  
برخورد و شیوه حل مشکلات آشنا می‌سازد  
و تا نرویم نمی‌فهمیم و با ذهنیت‌گرایی  
خود هیچ‌گونه حضور مفید و مؤثر نخواهیم  
داشت؛

۷. مسئله مدرک در خور توجه است، که  
بایستی مسئولان بدان توجه کنند. برای  
حضور فعال در بسیاری از مراکز نیاز به مدرک  
پیدا می‌شود؛

۸. مدیریت از امور بسیار  
مهمی است. تصمیم‌گیران  
بایستی کسانی باشند آگاه  
از جمله به مشکلات بانوان،  
افرادی نباشند که برای زن  
فعالیت اجتماعی قایل نباشند.  
متوجه باشند که نقش زن  
در اجتماع چیست و آن را  
موجودی ضعیف ندانند.

اصولاً پس از تخصص است که فرد  
می‌تواند کارآیی لازم را داشته باشد به‌ویژه  
با توجه به این که دوران تحصیلی خواهران  
محدود می‌باشد و پس از مدتی ادامه تحصیل  
با مشکلاتی همراه می‌شود. در نتیجه اگر  
معلوماتی در حد تخصص فراگرفته باشد،  
پس از این دوره احساس می‌کند که صرف  
وقت در آن دوران برایش مفید بوده است، زیرا  
برای حضور فعال و مفید فرهنگی یا اجتماعی  
به این حد از معلومات نیازمند بوده است.

● **حوزه:** برای این که خانم‌های طلبه و  
محصل علوم دینی بتوانند در عرصه جامعه  
حضور فرهنگی و اجتماعی مؤثر و روشنگرانه  
داشته باشند، چه طرح و پیشنهادی دارید؟  
**خانم صفاتی:**

۱. در این باره نظریات زیادی است، اما  
به اعتقاد من گفتنی است: ۱. خواهرانی  
که برای این جهت می‌آیند، باید بر اساس  
تصمیم‌گیری و هدف صحیح بیایند و این  
رشته را انتخاب کنند و مقطعی نباشد؛  
۲. این متون مرسوم با عمر تحصیلی

خواهران و اهداف و انگیزه‌هایی  
که ممکن است برای بهره‌گیری  
و کارآیی در مسائل اجتماعی  
داشته باشند مناسب ندارد.  
همان‌گونه که اشاره شد،  
به لحاظ گستردگی و پیچیدگی  
مطالب، این متون بهره‌برداری  
از آن‌ها کار سختی می‌باشد، که  
الآن بیشتر نیاز به تخصصی‌تر

آنچه که يك زن حتی در جامعه  
امروزی و قرن بیستم برای يك  
زندگی سالم و موفق لازم دارد، از  
هنر گرفته تا کمالات و ابعاد دیگر  
انسانی در حضرت زهرا علیها السلام  
وجود دارد، از این رو، معتقدم  
ایشان می‌تواند يك الگوی به  
تمام معنا برای جامعه ما نیز  
باشد.

متعالی را به گونه‌ای شایسته معرفی کنیم. چه بسیارند افرادی که چنین گم شده‌هایی دارند و در صورتی معرفی صحیح و شناخت او را به عنوان الگوی زندگی خویش می‌پذیرند.

بنابراین هم تبلیغاتمان ضعیف است و هم عملمان ناقص، بلکه احیاناً منافی و زده‌م‌دیگرند. برای جذب و علاقه‌مند نمودن افراد به شخصیت‌های بزرگ به متدها

و شیوه‌های جدیدی نیاز است. امروز تبلیغات کاذب و شبهات همه این راه‌ها را مستقیم و غیرمستقیم برای ربودن دل‌ها و افکار به کار می‌گیرند. ما نمی‌توانیم جوانان را با چند پوستر تبلیغاتی قانع کنیم. پاسخ‌گویی نیاز به تلاش شبانه‌روزی فداکاری و زیر پا گذاشتن هوای نفس که باید از خود ما شروع شود دارد. شما ببینید ما زندگی حضرت زینب علیها السلام را می‌خواهیم مطالعه کنیم، نوشته‌های فارسی و عربی یک نواخت هستند: آن بزرگوار کجا متولد شد؟ چکار کرد؟ و... یک زندگی‌نامه تحلیلی و جاذب نداریم. همین‌گونه دیگر حضرات معصومان علیهم‌السلام. واقعاً در نوع سیره‌شناسی دستمان خالی است.

یک زمانی در رادیو برنامه داشتم. یکی از مجریان حرف خوبی زد، و گفت: فلانی این زندگی‌نامه را که شماها می‌گویید خیلی خوب است، ولی من فکر می‌کنم این

۹. بالأخره آنچه که برای یک

فرد می‌تواند اساسی باشد و در نحوه کار اجتماعی او دخالت مؤثر و مستقیم داشته باشد مساعدت خانوادگی است. پدر، مادر و یا همسر بایستی مانع تحصیل و کار اجتماعی نباشند، بلکه مشوق و کمک کار او باشند. وگرنه واقعاً فرد در این نوع کارها بازدهی لازم را نخواهد داشت.

آنچه که یک زن حتی

در جامعه امروزی و قرن بیستم برای یک زندگی سالم و موفق لازم دارد، از هنر گرفته تا کمالات و ابعاد دیگر انسانی در حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد، از این رو، معتقدم ایشان می‌تواند یک الگوی به تمام معنا برای جامعه ما نیز باشد. آنچه را که من در حد فهم خود می‌توانم بگویم این که رفتار، گفتار و همه فرازونشیب‌های زندگی ایشان برای ما درس است: در بعد مادری، همسری شعور و عرفان، قناعت، صبر و استقامت در برابر گرفتاری‌ها، سیاست و خط‌دادن به جامعه و اصلاح عموم ستم‌ستیزی، رعایت تقوا، عفت و خلاصه همه فضیلت‌ها. البته الگوپذیری مبتنی بر شناخت است، بنابراین تا افراد متمایل به هوا و هوس‌های درونی خویش و در بند آن باشند طبعاً گرایش به چنین الگوهای نخواستند داشت و متأسفانه افزون‌بر این ما هنوز نتوانسته‌ایم این شخصیت‌های والا و

۳. درس‌ها بایستی به سوی تخصصی شدن به پیش برود. در این صورت فرد می‌تواند کارآیی لازم را به دست آورد و نسبت به مسائل روز پاسخ‌گو باشد.

۴. رشته‌ها باید در جهت نیاز جامعه و متناسب با نوع فعالیت‌هایی که خواهران بایستی در جامعه داشته باشند باشد.

زندگی نامه‌ها باید به شکل هنری صحیح در بیاید. گفتم: حرفتان درست است. بنابراین در این حدود ضعف و تقصیر از ماست. در سینما، تئاتر و تلویزیون وقتی می‌خواهند زن مسلمانی را نشان بدهند يك چادر به کمرش می‌پیچند و...! با این نگاه تفکر حاکم که با فرهنگ اسلام شناختی ندارند، بگوییم: بیایید دنباله‌رو حضرت زهرا علیها السلام شوید. این عمل نیازمند به مقدماتی است که فرد آشنا به فرهنگ اسلامی و متمایل به آن گردد. باید حوزه‌ها شروع کنند، کارها به گونه‌ای تخصصی انجام شود. به هر حال در حد وسع

خودمان می‌بایست زندگی واقعی حضرات معصومان علیهم السلام را بشناسانیم و در این معرفی به زمان و حساسیت‌های زمان توجه داشته باشیم. واقعاً روش حضرت زهرا علیها السلام این نبود که در کنج خانه بنشیند و مثل يك عابد منزوی عمل کند. حضرت سیاست را خوب می‌فهمیدند و درک و تحلیل درستی از وضعیت سیاسی و اجتماعی داشتند و تصمیم‌گیری‌ها از جمله: وضعیت ایشان نشانگر دوراندیشی و تیزبینی آن بزرگوار می‌باشد.

\*. استاد عالی حوزه‌های علمیه.

